

بررسی توانمندی نقدینگی شرکت‌ها در پرداخت بموقع مالیات عملکرد در اجرای ماده ۱۱۰ قانون مالیاتهای مستقیم

آزیتاجهانشاد

استادیار دانشکده اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی
az-jahanshad@yahoo.com

علی پرمون

کارشناس ارشد حسابداری دانشکده اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی
aparmoon@bakhtarpc.com

تاریخ دریافت: ۹۳/۸/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۹

چکیده

باتوجه به مطرح بودن تفاوت های بین مبانی و استانداردهای حسابداری با قوانین مالیاتی و در نتیجه طرح ادعای یکی از مشکلات شرکتها مبنی بر محاسبه سود مشمول مالیات بر مبنای تعهدی و پرداخت مالیات بدون توجه به این مبنای محاسبه و براساس ماده ۱۰۵ و ۱۱۰ قانون مالیاتهای مستقیم، که نتیجه آن مشکلات نقدینگی شرکتها جهت پرداخت بموقع مالیات عملکردشان در اجرای ماده ۱۱۰ قانون مالیاتهای مستقیم می باشد، در این تحقیق عوامل چرخه تبدیل وجه نقد، نسبت وجه نقد حاصل از فعالیتهای عملیاتی، نسبت کل وجه نقد موجود در پایان سال مالی، پوشش نرخ مالیاتی مقرر در ماده ۱۰۵ قانون مالیاتهای مستقیم و وجه نقد حاصل از فعالیتهای تامین مالی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق تهران، بعنوان عوامل توانمندی نقدینگی شرکتها، در نظر گرفته شده و تاثیر هر یک از این متغیرها بر روی پرداخت بموقع مالیات در مهلت مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیاتهای مستقیم مورد بررسی قرار گرفته است تا به صورت تجربی مشاهده گردد که آیا عوامل مذکور که بعنوان عوامل تاثیر گذار بر توانمندی نقدینگی در شرکتها در نظر گرفته شده، بر پرداخت بموقع مالیات تاثیر داشته و یا عوامل مذکور هیچگونه تاثیری در پرداخت بموقع مالیات نداشته و ادعای شرکتها مبنی بر عدم توانمندی نقدینگی جهت پرداخت بموقع مالیات صرفا بهانه ای جهت فرار از پرداخت مالیات در مهلت مقرر و طولانی شدن زمان پرداخت می باشد. نتایج حاصل از این بررسیها حاکی از این است که دو عامل، نسبت کل مانده وجه نقد پایان دوره و چرخه تبدیل وجه نقد، احتمال پرداخت به موقع مالیات شرکت ها را تحت تاثیر خود قرار داده بطوری که با کاهش چرخه تبدیل وجه نقد و یا افزایش نسبت مانده وجوه نقد پایان دوره، توانمندی شرکتها در پرداخت بموقع مالیات افزایش می یابد. با این وجود نتایج بدست آمده موید آن است که عوامل، نسبت وجه نقد ناشی از فعالیتهای عملیاتی، پوشش نرخ مالیاتی مقرر در ماده ۱۰۵ قانون مالیاتهای مستقیم و نسبت وجه نقد ناشی از فعالیتهای تامین مالی اثر با اهمیتی بر توانمندی شرکتها در پرداخت بموقع مالیات ندارد.

واژه‌های کلیدی: ماده ۱۰۵ و ۱۱۰ قانون مالیاتهای مستقیم، توانمندی نقدینگی، چرخه تبدیل وجه نقد، نسبت کل وجه نقد پایان دوره، نسبت وجه نقد حاصل از فعالیتهای عملیاتی و تامین مالی، پوشش نرخ مالیاتی.

۱- مقدمه

آنچه امروزه به عنوان یکی از شریان های اصلی درآمدی در دنیا بر آن تکیه می شود نظام مالیاتی است که در کشور ما با وجود درآمدهای نفتی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. سهم درآمدهای مالیاتی در حالی در ایران به سختی به ۱۰ درصد می رسد که متوسط درآمدهای مالیاتی کشورهای اروپایی بیش از ۹۰ درصد است (زحمت کش، ابوذر، ۱۳۸۸). بطور حتم وقتی درآمدهای دولت وابسته به مالیات نباشد، تمرکز لازم برای پیشرفت در حوزه مالیات نیز کم خواهد بود. دولت برای تامین هزینه های خود از منابع مختلفی درآمد تحصیل می کند. گرچه بخشی از درآمدهای دولت در کشور ما از طریق استقراض از بانک مرکزی، بخشی از فروش نفت و بخشی دیگر از درآمد حاصل از خدمات مختلف مانند خدمات پستی، حمل و نقل و انحصارات دولتی است، اما مالیات نیز بخش از درآمد دولت را تشکیل می دهد. اهمیت مالیات بیشتر از آن جهت است که ارتباط میان مردم و دولت را حفظ کرده و دولت را ملزم به پاسخگویی در برابر درآمد به دست آمده می کند. از طرف دیگر توجه به این امر نیز ضروری می باشد که با ایجاد بسترسازی مناسب و عدم فاصله ی میان دولت و مردم و همچنین فراهم آوردن قوانین مالیاتی همگام با سایر قوانین و شرایط حاکم بر پرداخت کنندگان مالیات و مطابق با درآمدهای کسب شده، ضمن جلوگیری از فرار مالیاتی، شرایطی را برای مودیان مالیاتی فراهم آورد که با خوداظهاری، امکان پرداخت بموقع و با رغبت مالیات را برایشان فراهم سازد. مدیریت شرکت برای کاهش انتقال منابع مالکان به دولت و تعدیل هزینه مالیات متعلقه به سود، اقدام به اجرای برنامه های اجتناب مالیاتی جهت تعدیل انتقال منابع از سهامداران به دولت می کنند. و این امر منجر به افزایش ثروت و بازده مالکان خواهد شد. (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۹) زمانی که شرکتها با محدودیت در دسترس به منابع خارجی مواجه می شوند بیشتر به برنامه های گریز از مالیات متوسل می شوند. (ادوارد، ۲۰۱۳) در این تحقیق با بررسی عوامل موثر در نقدینگی شرکتها، توانمندی آنها در پرداخت به موقع مالیات مورد بررسی قرار می گیرد.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

باتوجه به عنوان شدن تفاوت بین سود عملکرد شناسایی شده در پایان سال مالی و نقدینگی حاصل از عملیات شرکت (بر مبنای حسابداری تعهدی که لزوماً بایکدیگر برابر نیست) و تفاوت های ناشی از استانداردها و اصول حاکم بر حسابداری با قوانین مالیاتهای مستقیم این ادعا که شرکتها بدلیل این تفاوتها، با کسری نقدینگی جهت پرداخت مالیات عملکرد روبرو

بوده و در نتیجه درخواست تقسیط مالیات را دارند مطرح می باشد. همچنین اعتراضات مودیان به مالیات تشخیصی و نحوه وصول آن، که نتیجه آن طولانی شدن مراحل رسیدگی به پرونده های مالیاتی و ایجاد هزینه های اجرائی جهت وصول مالیات می باشد خود از جمله مشکلات است که دولت و عوامل اجرایی آن با این مسئله روبرو می باشند (که علاوه بر تعویق در وصول مالیات توسط دولت هزینه های سنگینی را در مراحل رسیدگی به اعتراضات مودیان مالیاتی بردوش دولت قرار خواهد داد و عاملی جهت تفکر شرکتها برای حساب سازی و فرار از پرداخت بموقع مالیات عملکردشان و تعویق در پرداخت آن خواهد گردید). از طرف دیگر، در صورت تاثیرگذاری این تفاوت ها بر توانمندی نقدینگی شرکتها برای پرداخت مالیات در موعد مقرر در قانون، این عامل موجب خواهد گردید که در صورت کسری نقدینگی، شرکتها جهت تامین منابع مالی مورد نیاز جهت پرداخت بدهیهای کوتاه مدت خود، به سمت دریافت وامهای کوتاه مدت بروند. در نتیجه این روند، علاوه بر افزایش میزان بدهیهای کوتاه مدت، شرکتها را با هزینه های تامین مالی و با نرخ بهره بالا نیز روبرو خواهند نمود. این مسئله تاثیر بر عملکرد شرکتها در سنوات بعد آنها نیز خواهد داشت (در برخی از موارد این وامها از منابع غیربانکی و غیرمجاز دریافت شده که هزینه های آن نیز مورد پذیرش وزارت اقتصاد و دارایی قرار نمی گیرد). در این راستا پیشنهادهای مطروحه جهت اصلاح قوانین مالیاتی و نزدیک شدن این قوانین و استانداردها به یکدیگر و همچنین درخواست شرکتها مبنی بر تقسیط مالیات، عاملی گردید تا در این تحقیق، توانایی یا عدم توانایی پرداخت مالیات بر اساس ماده ۱۰۵ قانون مالیاتهای مستقیم را در مهلت زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیاتهای مستقیم با توجه به عوامل تاثیرگذار بر توانمندی نقدینگی شرکتها همچون دوره چرخه تبدیل نقدی آنها مورد ارزیابی قرار داده و با آزمون این عوامل و تاثیر آنها بر توانمندی نقدینگی شرکتها و نتایج حاصل از آن، تاثیر گذاری این عوامل را مورد بررسی قرار دهیم و با توجه به نتایج حاصله، پیشنهاد هایی مبنی بر لزوم اصلاح یا در نظر گرفتن روشی مناسب برای پرداخت مالیات در مهلت مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیاتهای مستقیم ارائه گردد.

خدای پور (۱۳۹۰) با موضوع "مالیات و محافظه کاری در گزارش مالی و مربوط بودن اطلاعات حسابداری" به بررسی تاثیر مالیات بر محافظه کاری در گزارشگری مالی پرداخته و با استفاده از روش همبستگی و استفاده از دومدل تکامل یافته عدم تقارن زمانی سود و اقلام تعهدی انباشته شده ارائه شده توسط تری شولین به این نتیجه رسیده اند که شرکتهایی که خالص جریانهای نقدی عملیاتی آنها بسیار بزرگتر از درآمد مشمول

گزارشگری مالیاتی به ضمیمه گزارشگری مالی، شفافیت گزارشگری مالی را تا حدود زیادی تامین خواهد کرد.

بابا جانی و عبدی (۱۳۸۹) به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادر تهران پرداختند. این ارزیابی از طریق بررسی رابطه بین برخی از معیار های مهم حاکمیت شرکتی با درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در شرکت هایی که معیارهای حاکمیت شرکتی را دارا هستند؛ با گروه شرکت هایی که فاقد معیار های مذکور هستند؛ وجود ندارد این در حالی بوده که در هر دو گروه شرکت ها؛ درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی معنی دار بوده است.

جهانشاد آرنیآ، حمزه محمد (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان رابطه مسئولیت اجتماعی شرکت با اجتناب مالیاتی با تبعیت از مدل های رگرسیونی هوی و همکاران (۲۰۱۳) ، رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت با اجتناب مالیاتی سنجیده شد.

نتایج این تجزیه و تحلیل بیانگر وجود رابطه مستقیم بین اجتناب مالیاتی با فعالیت های غیرمسئولانه پاسخگویی اجتماعی در برخی حالتها می باشد. همچنین بین اجتناب مالیاتی با بدهی های احتمالی غیرمسئولانه پاسخگویی اجتماعی رابطه مستقیم ندارد.

چانگ ، فاو (۲۰۱۰) در پژوهشی تحت عنوان عوامل موثر بر رویه های تصمیم گیری شرکت ، وقتی حسابداری مالی در مقابل حسابداری مالیاتی قرار می گیرد به این نتیجه رسید که قوانین مالیاتی ناگزیر بر عملکرد حسابداری تاثیر می گذارد و حسابداری به عنوان یک فن دارای اصول و ضوابط خویش است که تحت تاثیر قوانین مالیاتی قرار گرفته است .

مینیک و نوگا (۲۰۱۰) در مطالعه اثرات ویژگی های حاکمیت شرکتی را بر مدیریت مالیات بررسی نمودند. آن ها نشان دادند که طرح های پاداش به عنوان محرکی برای مدیران جهت سرمایه گذاری در طرح های سرمایه گذاری بلند مدت و مالیات کاه عمل می کند. همچنین یافته ها نشان می دهد که مدیریت مالیات سهامداران را منتفع می سازد و مدیریت مالیات به طور مثبت با افزایش بازده عایدی سهامداران در ارتباط است.

چن و همکاران (۲۰۱۰) دریافتند که مالکیت خانوادگی می تواند خط مشی مالیاتی شرکت را تحت تاثیر قرار دهد. آن ها به این نتیجه رسیدند که شرکت هایی با مالکیت خانوادگی ؛ کمتر از شرکت هایی که دارای مالکیت خانوادگی نیستند؛ سیاست های متهورانه پیرامون مالیات اتخاذ می کنند. این نتایج نشان می دهد که مالکان خانوادگی تمایل دارند جهت جلوگیری از کاهش ارزش سهام شرکت که از نگرانی سهامداران اقلیت

مالیات آنهاست، محافظه کاری بیشتری نسبت به سایر شرکتها دارند، اما در مورد شرکت هایی که خالص جریان نقدی عملیاتی آنها بسیار کوچکتر از درآمد مشمول مالیات آنهاست نمی توان گفت که محافظه کاری کمتری نسبت به سایر شرکتها دارند.

سلام طلوعی (۱۳۸۹) با موضوع "سودمندی استفاده از روش مالیات معوق" با بررسی تفاوت نگرش استفاده از مبانی نقدی در برخی از کشورها، که سود مشمول مالیات را از طریق تفاضل دریافتها و پرداختهای وقایع انجام شده محاسبه می نمایند و دیدگاه حسابداری که، سود و زیان خالص رامبنای محاسبه مالیات قرار می دهد و با استفاده از بیانیه استاندارد حسابداری ملی، که تفاوت این دودیدگاه رامی توان تحت عنوان مالیات معوق به دوره های آتی تخصیص داد که در نهایت، نتایج یافته های تحقیق بیانگر این موضوع بوده که بیشتر پاسخ دهندگان معتقد بودند مسایلی مالیاتی در کشور مانع نمایش سودهای غیرنقدی می شود که این امر به سهم خود بر سود شرکتها تاثیر گذاشته و آنرا از حالت واقعی بودن خارج می سازد.

پورزمانی و جامخانه (۱۳۸۸) با موضوع "بررسی دلایل اختلاف بین درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکت های بازرگانی و درآمد مشمول مالیات تشخیصی توسط واحدهای مالیاتی" ، با ارزیابی عوامل ایجاد اختلاف بین درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکت های بازرگانی و درآمد مشمول مالیات تشخیصی توسط واحدهای مالیاتی، به وجود اختلاف معنادار بین درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکت های بازرگانی و درآمد مشمول مالیات تشخیصی توسط واحدهای مالیاتی پرداخته است و در نهایت وجود این تفاوت معنادار را مورد تایید قرار داده است و چند عامل را نیز از جمله هدف های درآمد مالیاتی، برداشت و تفسیر نادرست مودیان از معافیت های مالیاتی مقرر در قانون راجز این عوامل مطرح نموده اند.

فخرالدین خامسی و عباسعلی کیانپور (۱۳۸۷) با بررسی "مغایرت های بین استانداردهای حسابداری ایران وقانون مالیات های مستقیم باهدف نزدیک کردن این دو" به این نتیجه رسیده اند که مغایرت بین استانداردهای حسابداری وقوانین مالیاتی و به تبع آن سود حسابداری وسود مشمول مالیات طبیعی بوده و هرگونه تلاش برای رفع این مغایرتها هر چند تا حدودی نتیجه بخش بوده اما رفع کامل آن وت تهیه استانداردهای حسابداری کاملا منطبق با قوانین مالیاتی و یا بالعکس امکان پذیر نمی باشد.

عرب مازار و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی تبیین ارتباط بین شفافیت گزارشگری مالی با گزارشگری مالیاتی در ایران پرداختند. یافته های آنها بیانگر وجود رابطه مثبت بین گزارشگری مالیاتی و شفافیت گزارشگری مالی بود. بطوری که

پیرامون ریسک ناشی از فعالیت های مالیاتی نشات می گیرد؛ از مدیریت مالیات اجتناب نمایند.

دسای و دارماپالا (۲۰۰۹) از اساتید دانشگاه هاروارد و میثیگان به بررسی رابطه اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت به روش OLS پرداختند. برای اندازه گیری متغیر اجتناب مالیاتی از تفاوت سود گزارش شده به سهامداران و سود مشمول مالیات ابرازی به حسابرسان مالیاتی استفاده شده و میزان شکاف بین دو گزارش یاد شده به پوشش های مالیاتی به کار رفته نسبت داده شده است.

نتایج این تحقق نشان می دهد که میانگین تاثیر اجتناب مالیاتی بر ارزش شرکت قابل توجه و معنادار نیست. اما در شرکت هایی که دارای مکانیزم حاکمیت شرکتی کارآمد و قوی هستند، تاثیر اجتناب مالیاتی بر ارزش شرکت معنادار و مثبت می باشد. شفاف سازی و روان سازی در قوانین مالیاتی بر توانایی شرکت ها جهت استفاده ی بیشتر از معافیت ها و کاهش مالیات پرداختی خواهد افزود. همچنین نتایج تحقیق بیانگر این مطلب بود که انتقال منابع از دولت به مالکان از طریق اجتناب مالیاتی با تضاد نمایندگی میان مالکان و مدیران مرتبط می باشد.

باتوجه به تحقیقات صورت گرفته فوق ونتایج حاصله از تحقیقات مذکور که وجود تفاوت های بین استانداردهای حسابداری وقانون مالیاتهای مستقیم وهمچنین درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکتها ودرآمد مشمول مالیات تشخیصی را نشان می دهدودراین باب پیشنهادها وراهکارهایی نیز مبنی بر کمتر نمودن این اختلاف ارائه گردیده است، ما به دنبال بررسی اثر یکی از این تفاوتها که بر مبنای حسابداری تعهدی شکل می گیرد می باشیم . براین اساس سود بر مبنای تعهدی شناسایی گردیده ومالیات نیز بر همین اساس محاسبه وپرداخت می گرددواین درحالی می باشدکه شرکتها لزوما معادل سود شناسایی شده، وجه نقد وارد جریان عملیاتی خود ننموده اند که این مسئله می تواند شرکتها را با کسری نقدینگی روبرو نموده وآنهارا در پرداخت مالیات واقعی خود در موعد مقرر بامشکل روبرو سازد، در این تحقیق با بررسی عوامل موثر در نقدینگی شرکتها، توانمندی آنها را در پرداخت به موقع مالیات مورد بررسی قرار داده واثر گذاری هرکدام از عوامل مورد نظر را بر فرضیه های ارائه شده مورد آزمون قرار خواهیم داد. در تحقیقات صورت گرفته قبلی عمدتا بررسی در ارتباط با وجود این تفاوت ها و ماهیت آنها بوده ولی این پژوهش به دنبال اثر یکی از این تفاوتها بر عملکرد واقعی شرکتها می باشد .

۳- فرضیه های پژوهش

همانطور که در مبنای نظری پژوهش عنوان گردید و با توجه به درخواست های متعدد شرکت های تولیدی، مبنی بر تقسیت مالیات خود بدلیل کسری نقدینگی و عدم توانمندی آنها در پرداخت به موقع مالیات و طرح مطالبی از این باب در جراید و با عنایت به وجود مغایرات بین استانداردهای حسابداری (مبنای تشخیص سود حسابداری بصورت تعهدی) و قوانین مالیاتهای مستقیم با رویکرد مالیات بردرآمد شرکت ها و در نهایت تعویق در پرداخت مالیات وباتوجه به تحقیقات صورت پذیرفته در جامعه حسابداران خبره ایران و بررسی امکان تعادل میان اصول وقواعد حاکم برحسابداری مالی و حسابداری مالیاتی و بهترین راهکار عملی برای رفع این تعارضات و مغایرات، زمینه ای ایجادگردید تا با بررسی تاثیر عوامل، چرخه تبدیل نقدی شرکتها، نسبت وجه نقد حاصل از فعالیتهای پوشش نرخ مالیاتی مقرر در ماده ۱۰۵ قانون مالیاتهای مستقیم و وجه نقدحاصل از فعالیتهای تامین مالی، توانمندی نقدینگی شرکتها در پرداخت بموقع مالیات عملکردشان در مهلت مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیاتهای مستقیم مورد ارزیابی قرارگیرد.

این تحقیق به دنبال پاسخ به این سوال می باشد که آیا عوامل، چرخه تبدیل نقدی، نسبت وجه نقدحاصل از فعالیتهای عملیاتی، نسبت کل وجه نقد موجود در پایان سال مالی، پوشش نرخ مالیاتی مقرر در ماده ۱۰۵ قانون مالیاتهای مستقیم و وجه نقد حاصل از فعالیتهای تامین مالی، توانمندی نقدینگی شرکتها راجهت پرداخت بموقع مالیات بر عملکرد آنها براساس مهلت مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیاتهای مستقیم، تحت تاثیر قرار می دهد؟ برای پاسخگویی به سوال بالا فرضیات زیر مطرح می باشد:

فرضیه اصلی تحقیق: عوامل مرتبط با توانمندی نقدینگی شرکتها، امکان پرداخت بموقع مالیات عملکرد را در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیاتهای مستقیم تحت تاثیر قرار می دهد.

فرضیه های فرعی تحقیق

فرضیه ۱ چرخه تبدیل وجه نقد امکان پرداخت مالیات را در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیات های مستقیم را تحت تأثیر خود قرار می دهد.

فرضیه ۲ نسبت وجه نقد حاصل از فعالیت های عملیاتی شرکت ها، امکان پرداخت مالیات در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیاتهای مستقیم را تحت تأثیر خود قرار می دهد.

مهمترین ویژگی این روش این است که این مدل مشکلات مربوط به ناهمسانی واریانس و غیرنرمال بودن نمونه‌ها را رفع کرده و نیازی به برقراری فروض نرمالیتی و همسانی ماتریس‌های کوواریانس نمی‌باشد. (گجراتی، ۲۰۰۵). در این مدل در صورتی که ضرایب β_1 تا β_5 در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار باشد به ترتیب فرضیه‌های فرعی اول تا پنجم تحقیق مورد تأیید قرار گرفته و به تبع آن فرضیه اصلی تحقیق تأیید خواهد شد. لازم به ذکر است در این مطالعه برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای Eviews و SPSS بهره گرفته شده است.

ابتدا با استفاده از آزمون نسبت درست‌نمایی^۱ و آماره کای-دو معناداری کل مدل بررسی می‌شود و سپس با استفاده از آماره هوسمر-لمشو^۲ نیکوئی برازش^۳ مقدار متغیر وابسته بررسی می‌شود.

جامعه آماری شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد، که از ابتدای سال ۱۳۸۶ لغایت ۱۳۹۰ در بورس فعال بوده‌اند. در این پژوهش از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است. برای این منظور ۵ معیار زیر در نظر گرفته شده و در صورتی که شرکتی کلیه معیارها را احراز کرده باشد به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده و مابقی حذف می‌شوند. روند انتخاب نمونه در نگاره ۱ ارائه شده است. بعد از مدنظر قرار دادن کلیه معیارهای بالا، تعداد ۱۰۲ شرکت به عنوان جامعه غربالگری شده باقیمانده است که تمامی آن‌ها به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده‌اند بنابراین مشاهدات ما به ۵۱۰ سال شرکت می‌رسد.

فرضیه ۳ نسبت کل وجه نقد موجود در پایان سال مالی، امکان پرداخت مالیات در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

فرضیه ۴ پوشش نرخ مالیاتی مقرر در ماده ۱۰۵ قانون مالیات‌های مستقیم، امکان پرداخت مالیات در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

فرضیه ۵ نسبت وجه نقد حاصل از فعالیت‌های تامین مالی شرکت‌ها امکان پرداخت مالیات در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

۴- روش‌شناسی پژوهش

نوع تحقیق حاضر با توجه به هدف کاربردی بوده و نتایج حاصل از آن می‌تواند برای طیف گسترده‌ای شامل مدیران شرکت‌ها، سهامداران، سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، محققان و تدوین‌کنندگان استانداردها مفید باشد و از لحاظ بعد زمانی می‌تواند گذشته‌نگر و بر اساس نحوه گردآوری داده‌ها و تبیین روابط نیز توصیفی، همبستگی، تجربی می‌باشد. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل رگرسیون لجستیک استفاده شده است. رگرسیون لجستیک یکی از کاربردی‌ترین مدل‌های تعمیم یافته است.

متغیر وابسته به صورت مقیاس اسمی و دو سطحی است. این دو سطح معمولاً به عضویت و عدم عضویت در یک گروه (در این تحقیق پرداخت یا عدم پرداخت مالیات عملکرد) اشاره دارد. فرضیه صفر در آزمون لجستیک به صورت زیر خواهد بود:

$$H_0: \beta_1 = \beta_2 = \dots = \beta_k = 0$$

$$H_1: \beta_1 \neq \beta_2 \neq \dots \neq \beta_k \neq 0$$

نگاره ۱: روند انتخاب نمونه

۴۶۶	داد کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در پایان سال ۱۳۹۰
	بیارها:
(۱۱۶)	داد شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی ۸۶-۹۰ در بورس فعال نبوده‌اند
(۳۱)	داد شرکت‌هایی که بعد از سال ۸۶ در بورس پذیرفته شده‌اند
(۸۴)	داد شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی ۸۶-۹۰ تغییر سال مالی داده و یا سال مالی آن پایان اسفند نمی‌باشد
(۲۲)	داد شرکت‌هایی که در گروه صنعت بانکی و مؤسسات مالی، سرمایه‌گذاری و هلدینگ بوده‌اند
(۱۱۱)	داد شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی ۸۵-۹۰ فاقد سود مشمول مالیات بوده‌اند.
-	داد شرکت‌هایی که در قلمرو زمانی ۸۵-۹۰ اطلاعات مورد نظر آن‌ها در دسترس نمی‌باشد
۱۰۲	داد شرکت‌های نمونه

۵- مدل و متغیرهای پژوهش

مدل تحقیق جهت آزمون فرضیه ها به صورت زیر می باشد:

$$Overtime_Pay_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 CCC_{i,t} + \alpha_2 OCF_{i,t} + \alpha_3 Cash_{i,t} + \alpha_4 TRC_{i,t} + \alpha_5 FCF_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

دوره تعویق بستانکاران = (متوسط حسابهای پرداختنی + متوسط بستانکاران) / (قیمت تمام شده کالای فروش رفته

+ هزینه های فروش واداری) / (۳۶۵)

دوره چرخه عملیاتی = دوره تبدیل موجودی کالا + دوره تبدیل بدهکاران

دوره تبدیل موجودی کالا = متوسط موجودی / (قیمت تمام شده کالای فروش رفته / ۳۶۵)

دوره تبدیل بدهکاران = متوسط بدهکاران / (فروش نسیه کل / ۳۶۵)

نسبت وجه نقد ناشی از فعالیت های عملیاتی ($CFO_{i,t}$)

جریانهای نقدی ناشی از فعالیت های عملیاتی باید با نتیجه فعالیت های عملیاتی (درآمدهای عملیاتی و هزینه های عملیاتی) سازگاری داشته باشد لذا در صورت جریان وجوه نقد وجه نقد ناشی از این عملیات بعنوان وجه نقد ناشی از فعالیت های عملیاتی طبقه بندی می شود که اقلام عمده جریانهای ورودی و خروجی مرتبط با این سرفصل عبارتند از: دریافت های نقدی حاصل از فروش کالا و ارائه خدمات، حق امتیاز، حق الزحمه و کارمزد، پرداخت های نقدی برای فروشندگان کالا و خدمات، کارکنان یا از جانب آنان (شامل مزایای پایان خدمت) و سازماندهی مجدد. در این مطالعه جریانهای نقدی ناشی از فعالیت های عملیاتی بصورت مستقیم از صورت جریان وجوه نقد شرکت ها استخراج و با استفاده از سود مشمول مالیات همگن سازی شده است.

نسبت کل وجه نقد ($Cash_{i,t}$)

وجه نقد پایان سال مالی که در ترازنامه شرکتها نیز با عنوان موجودی نقد شناسایی می گردد نتیجه وجوه نقد ناشی از فعالیت های عملیاتی، بازده سرمایه گذاری ها و سود پرداختی بابت تامین مالی، مالیات بردرآمد، فعالیت های سرمایه گذاری و موجودی نقد در اول دوره می باشد. در این مطالعه وجه نقد پایان سال مالی مستقیماً از ترازنامه شرکت ها استخراج و با استفاده از سود مشمول مالیات همگن سازی شده است.

پوشش نرخ مالیاتی مقرر در ماده ۱۰۵ ق.م.م ($TRC_{i,t}$)

متغیر پوشش نرخ مالیاتی مقرر در ماده ۱۰۵ ق.م.م یک متغیر مجازی (مصنوعی) می باشد بطوری که اگر نسبت مانده و وجه نقد کل شرکت به سود مشمول مالیات بیشتر از ۲۲/۵ درصد (نرخ مالیات شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار) باشد مقدار آن برابر با یک و در غیر این صورت مقدار آن صفر خواهد بود.

متغیرهای این تحقیق شامل ۶ متغیر است که عبارتند از: پرداخت مالیات در مهلت مقرر ماده ۱۱۰ ق.م.م (متغیر وابسته تحقیق)، چرخه تبدیل وجه نقد، نسبت وجه نقد ناشی از فعالیت های عملیاتی، نسبت کل وجه نقد، پوشش نرخ مالیاتی مقرر در ماده ۱۰۵ ق.م.م و نسبت وجه نقد ناشی از فعالیت های تأمین مالی (متغیرهای مستقل). در ادامه نحوه محاسبه هر یک از این متغیرها تشریح می شود.

متغیر وابسته

پرداخت مالیات در مهلت مقرر ماده ۱۱۰ ق.م.م ($Overtime_Pay$)

بر اساس ماده ۱۱۰ قانون مالیات های مستقیم اشخاص حقوقی مکلف اند حداکثر تا چهار ماه پس از سال مالیاتی مالیات متعلق خود را پرداخت نمایند. در این تحقیق برای مشخص کردن این موضوع شرکت ها به دو گروه شرکت هایی که پرداخت به موقع مالیات داشته اند و شرکت هایی که پرداخت به موقع مالیات نداشته اند تقسیم شده اند بطوری که اگر شرکتی در موعد مقرر اقدام به پرداخت مالیات کرده باشد مقدار این متغیر برابر با یک و در غیر این صورت مقدار آن صفر خواهد بود.

متغیرهای مستقل

چرخه تبدیل وجه نقد ($CCC_{i,t}$)

چرخه تبدیل نقدی، فاصله زمانی منابع غیرپویای سرمایه در گردش را نشان می دهد. در این فاصله، ضرورت دستیابی واحد تجاری به تامین مالی اضافی برای ادامه فعالیت احساس می شود. در این وضعیت، چنانچه افزایش در دوره چرخه عملیاتی بدون افزایش متناسب با دوره تعویق بستانکاران باشد، بر طول مدت چرخه تبدیل نقدی افزوده شده و ضرورت تامین مالی بیشتر در سرمایه در گردش وجود دارد (مدرکیان، حسن، ۱۳۹۰، ۵). چرخه تبدیل نقدی از طریق روابط زیر محاسبه می شود:

چرخه تبدیل نقدی = دوره چرخه عملیاتی - دوره تعویق بستانکاران

نسبت وجه نقد ناشی از فعالیت های تأمین مالی ($FCF_{i,t}$)

نسبت وجه نقد ناشی از فعالیت های تأمین مالی نشان دهنده وجوه ناشی از فعالیت هایی است که منجر به تغییر در میزان و یا ترکیب ساختار سرمایه و استقراض های واحد تجاری (به جز اضافه برداشتهای منظور شده در محاسبه وجه نقد) می گردد که شامل ارقام عمده دریافت های نقدی حاصل از صدور سهام، صدور اوراق مشارکت، وام ها و سایر تسهیلات کوتاه مدت و بلندمدت و پرداخت های نقدی بابت بازپرداخت اصل اوراق مشارکت، وام ها و سایر تسهیلات دریافتی، پرداخت اصل اقساط اجاره بشرط تملیک، پرداخت مخارج مربوط به اخذ تسهیلات مالی، صدور سهام و اوراق مشارکت (به جز سود تضمین شده و کارمزد پرداختی) می باشد. در این مطالعه جریانهای نقدی ناشی از فعالیت های تأمین مالی بصورت مستقیم از صورت جریان وجوه نقد شرکت ها استخراج و با استفاده از سود مشمول مالیات همگن سازی شده است.

۶- یافته های پژوهش

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اصلی تحقیق

هدف از آزمون فرضیه اصلی تحقیق، بررسی تاثیر عوامل مرتبط باتوانمندی نقدینگی شرکتها، در پرداخت بموقع مالیات عملکرد در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیاتهای مستقیم می باشد. آزمون این فرضیه بر اساس ۵ معیار نقدینگی شامل چرخه تبدیل وجه نقد، نسبت وجه نقد ناشی از فعالیت های عملیاتی، نسبت کل وجه نقد، میزان پوشش نرخ مالیاتی مقرر در ماده ۱۰۵ قانون مالیات های مستقیم و نسبت وجه نقد ناشی فعالیت های تأمین مالی و در قالب ۵ فرضیه فرعی صورت خواهد پذیرفت. نتایج حاصل از برآورد مدل و ضرایب آن در نگاره ۲ ارائه شده است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه فرعی ۱ تحقیق

در فرضیه فرعی ۱ تحقیق تأثیر چرخه تبدیل وجه نقد بر امکان پرداخت مالیات در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیات های مستقیم مورد بررسی قرار گرفته و فرضیه آماری آن به صورت زیر تعریف می شود:

H0: چرخه تبدیل وجه نقد امکان پرداخت مالیات را در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیات های مستقیم را تحت تأثیر خود قرار نمی دهد.

H1: چرخه تبدیل وجه نقد امکان پرداخت مالیات را در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیات های مستقیم را تحت تأثیر خود قرار می دهد.

بر اساس نتایج ارائه شده در نگاره ۲ از آنجایی که مقدار احتمال (P-VALUE) آماره Wald مربوط به متغیر چرخه تبدیل وجه نقد کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد (۰/۰۰۰) بنابراین فرضیه H0 رد می شود: به عبارت دیگر، چرخه تبدیل وجه نقد امکان پرداخت مالیات را در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیات های مستقیم را تحت تأثیر خود قرار می دهد. بنابراین فرضیه فرعی ۱ تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می شود. منفی بودن ضریب متغیر چرخه تبدیل وجه نقد (۰/۰۰۴-) حاکی از وجود رابطه معکوس میان چرخه تبدیل وجه نقد و پرداخت مالیات در مهلت مقرر ماده ۱۱۰ قانون مالیات های مستقیم می باشد به طوری که با کاهش یک واحدی میزان چرخه تبدیل وجه نقد، معادل ۰/۰۰۴ واحد بر احتمال پرداخت به موقع مالیات ابرازی شرکتها افزوده می شود. شواهد تجربی بدست آمده فوق مؤید آن است که چرخه تبدیل وجه نقد شرکت های فعال در بازار سرمایه ایران بر پرداخت به موقع مالیات آن ها اثر داشته و کاهش آن منجر به افزایش میزان احتمال پرداخت به موقع مالیات می شود.

نگاره ۲ ضرایب برآوردی مدل رگرسیون

متغیر مستقل	ضریب	آماره Wald	P-VALUE
ضریب ثابت	۰/۸۸۳	۸/۰۰۲	۰/۰۰۵
چرخه تبدیل وجه نقد	-۰/۰۰۴	۱۹/۶۴۶	۰/۰۰۰
نسبت وجه نقد ناشی از فعالیت های عملیاتی	-۰/۰۸۲	۰/۷۸۸	۰/۳۷۵
نسبت کل وجه نقد	۱/۲۸۹	۱۰/۱۰۰	۰/۰۰۱
پوشش نرخ مالیاتی مقرر در ماده ۱۰۵	-۰/۳۴۷	۲/۱۴۴	۰/۱۴۳
نسبت وجه نقد ناشی از فعالیت های تأمین مالی	-۰/۰۷۴	۰/۳۷۱	۰/۵۴۲

نتایج حاصل از آزمون فرضیه فرعی ۲ تحقیق

هدف از آزمون فرضیه فرعی ۲ تحقیق بررسی تأثیر نسبت وجه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی شرکت‌ها بر امکان پرداخت مالیات در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم بوده و فرضیه آماری آن به صورت زیر تعریف می‌شود:

H0: نسبت وجه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی شرکت‌ها، امکان پرداخت مالیات در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم را تحت تأثیر خود قرار نمی‌دهد.

H1: نسبت وجه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی شرکت‌ها، امکان پرداخت مالیات در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

بر اساس نتایج ارائه شده درنگاره ۲، از آنجایی که مقدار احتمال (P-VALUE) آماره Wald مربوط به متغیر نسبت وجه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی برابر ۰/۳۷۵ است که بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین فرضیه H0 تأیید شده و بیانگر این است که نسبت وجه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی شرکت‌ها، امکان پرداخت مالیات در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم را تحت تأثیر خود قرار نمی‌دهد. بنابراین فرضیه فرعی ۲ تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود. نتایج فوق حاکی از این است که وجه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی شرکت‌های فعال در بازار سرمایه ایران اثر با اهمیتی بر پرداخت مالیات در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم نداشته و پرداخت به موقع مالیات این شرکت‌ها تحت تأثیر وجه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی قرار نمی‌گیرد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه فرعی ۳ تحقیق

در فرضیه فرعی ۳ تحقیق تأثیر نسبت کل وجه نقد موجود در پایان سال مالی شرکت‌ها بر امکان پرداخت مالیات در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم مورد آزمون واقع شده و فرضیه آماری آن به صورت زیر تعریف می‌شود:

H0: نسبت کل وجه نقد موجود در پایان سال مالی، امکان پرداخت مالیات در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم را تحت تأثیر خود قرار نمی‌دهد.

H1: نسبت کل وجه نقد موجود در پایان سال مالی، امکان پرداخت مالیات در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

بر اساس نتایج ارائه شده درنگاره ۲، از آنجایی که مقدار احتمال (P-VALUE) آماره Wald مربوط به متغیر نسبت کل

وجه نقد پایان دوره کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد (۰/۰۱) و بنابراین فرضیه H0 رد شده و بیانگر این است که نسبت کل وجه نقد موجود در پایان سال مالی، امکان پرداخت مالیات در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. بنابراین فرضیه فرعی ۳ تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. مثبت بودن ضریب متغیر نسبت کل وجه نقد (۱/۲۸۹) حاکی از وجود رابطه مستقیم میان نسبت کل وجه نقد و پرداخت مالیات در مهلت مقرر ماده ۱۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم می‌باشد به طوری که با افزایش یک واحدی میزان مانده وجه نقد پایان دوره شرکت‌ها، معادل ۱/۲۸۹ واحد بر احتمال پرداخت به موقع مالیات ابرازی شرکت‌ها افزوده می‌شود. شواهد تجربی بدست آمده فوق مؤید آن است که مانده وجه نقد پایان دوره شرکت‌های فعال در بازار سرمایه ایران بر پرداخت به موقع مالیات آن‌ها اثر داشته و افزایش آن منجر به افزایش میزان احتمال پرداخت به موقع مالیات می‌شود.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه فرعی ۴ تحقیق

در فرضیه فرعی ۴ تحقیق تأثیر پوشش یا عدم پوشش نرخ مالیاتی مقرر در ماده ۱۰۵ قانون مالیات‌های مستقیم بر امکان پرداخت مالیات در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم مورد آزمون واقع شده و فرضیه آماری آن به صورت زیر تعریف می‌شود:

H0: پوشش نرخ مالیاتی مقرر در ماده ۱۰۵ قانون مالیات‌های مستقیم، امکان پرداخت مالیات در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم را تحت تأثیر خود قرار نمی‌دهد.

H1: پوشش نرخ مالیاتی مقرر در ماده ۱۰۵ قانون مالیات‌های مستقیم، امکان پرداخت مالیات در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

بر اساس نتایج ارائه شده درنگاره ۲، از آنجایی که مقدار احتمال (P-VALUE) آماره Wald مربوط به متغیر پوشش نرخ مالیاتی مقرر در ماده ۱۰۵ قانون مالیات‌های مستقیم

بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد (۰/۱۴۳) بنابراین فرضیه H_0 تأیید شده و بیانگر این است که پوشش نرخ مالیاتی مقرر در ماده ۱۰۵ قانون مالیات‌های مستقیم، امکان پرداخت مالیات در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم را تحت تأثیر خود قرار نمی‌دهد. بنابراین فرضیه فرعی ۴ تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود. نتایج فوق حاکی از این

۱۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم را تحت تأثیر خود قرار نداده و حاکی از این است که وجه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی شرکت‌های فعال در بازار سرمایه ایران اثر با اهمیتی بر پرداخت مالیات در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم نداشته و پرداخت به موقع مالیات این شرکت‌ها تحت تأثیر وجه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی قرار نمی‌گیرد. بررسی انجام پذیرفته در متغیر، نسبت کل وجه نقد موجود در پایان سال مالی شرکت‌ها بیانگر این موضوع بود که این عامل، امکان پرداخت مالیات در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم را تحت تأثیر خود قرار داده و شواهد تجربی بدست آمده مؤید آن است که مانده وجه نقد پایان دوره شرکت‌های فعال در بازار سرمایه ایران بر پرداخت به موقع مالیات آن‌ها اثر داشته و افزایش آن منجر به افزایش میزان احتمال پرداخت به موقع مالیات می‌شود. همچنین، پوشش نرخ مالیاتی مقرر در ماده ۱۰۵ قانون مالیات‌های مستقیم، امکان پرداخت مالیات در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم را تحت تأثیر خود قرار نداده، لذا نتایج بدست آمده حاکی از این است که پوشش یا عدم پوشش نرخ مالیاتی مقرر در ماده ۱۰۵ قانون مالیات‌های مستقیم توسط شرکت‌های فعال در بازار سرمایه ایران اثر با اهمیتی بر پرداخت به موقع مالیات ابرازی شرکت‌ها ندارد. در آخر نیز نسبت وجه نقد حاصل از فعالیت‌های تأمین مالی شرکت‌ها مورد بررسی قرار گرفت که بر اساس آن، نسبت وجه نقد حاصل از فعالیت‌های تأمین مالی امکان پرداخت مالیات در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم را تحت تأثیر خود قرار نمی‌دهد که این امر، حاکی از این است که پرداخت به موقع مالیات ابرازی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تحت تأثیر وجه نقد حاصل از فعالیت‌های تأمین مالی نیز قرار نمی‌گیرد.

با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه‌های فرعی، این گونه می‌توان نتیجه‌گیری کرده که از میان معیارهای نقدینگی مشخص کننده توانمندی شرکت‌ها برای پرداخت به موقع مالیات عملکرد بر اساس ماده ۱۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم، تنها دو معیار نسبت کل مانده وجه نقد پایان دوره و چرخه تبدیل وجه نقد احتمال پرداخت به موقع مالیات شرکت‌ها را تحت تأثیر خود قرار داده و سایر معیارها اثر قابل ملاحظه‌ای بر توانمندی شرکت‌ها در پرداخت مالیات ابرازی خود در مهلت مقرر ندارند.

از آنجائیکه براساس یافته‌های تحقیق، عامل چرخه تبدیل وجه نقد شرکت‌های فعال در بازار سرمایه ایران بر پرداخت به موقع مالیات آنها اثر داشته و کاهش آن منجر به افزایش میزان

است که پوشش یا عدم پوشش نرخ مالیاتی مقرر در ماده ۱۰۵ قانون مالیات‌های مستقیم توسط شرکت‌های فعال در بازار سرمایه ایران اثر با اهمیتی بر پرداخت به موقع مالیات ابرازی شرکت‌ها ندارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه فرعی ۵

فرضیه فرعی ۵ تحقیق تأثیر نسبت وجه نقد حاصل از فعالیت‌های تأمین مالی شرکت‌ها بر امکان پرداخت مالیات در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم را مورد بررسی قرار داده و فرضیه آماری آن به صورت زیر تعریف می‌شود:

H0: نسبت وجه نقد حاصل از فعالیت‌های تأمین مالی شرکت‌ها امکان پرداخت مالیات در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم را تحت تأثیر خود قرار نمی‌دهد.

H1: نسبت وجه نقد حاصل از فعالیت‌های تأمین مالی شرکت‌ها امکان پرداخت مالیات در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. بر اساس نتایج ارائه شده در نگاره ۲، از آنجایی که مقدار احتمال (P-VALUE) آماره Wald مربوط به متغیر نسبت وجه نقد حاصل از فعالیت‌های تأمین مالی بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد (۰/۵۴۲) بنابراین فرضیه H0 تأیید شده و بیانگر این است که نسبت وجه نقد حاصل از فعالیت‌های تأمین مالی شرکت‌ها امکان پرداخت مالیات در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم را تحت تأثیر خود قرار نمی‌دهد. بنابراین فرضیه فرعی ۵ تحقیق نیز در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود. نتایج فوق حاکی از این است که پرداخت به موقع مالیات ابرازی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تحت تأثیر وجه نقد حاصل از فعالیت‌های تأمین مالی نیز قرار نمی‌گیرد.

۷- نتیجه‌گیری و بحث

چرخه تبدیل وجه نقد امکان پرداخت مالیات در دوره زمانی مقرر در ماده ۱۱۰ قانون مالیات‌های مستقیم را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، لذا بر اساس شواهد تجربی بدست آمده چرخه تبدیل وجه نقد شرکت‌های فعال در بازار سرمایه ایران بر پرداخت به موقع مالیات آن‌ها اثر داشته و کاهش آن منجر به افزایش میزان احتمال پرداخت به موقع مالیات می‌شود. همچنین نسبت وجه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی شرکت‌ها، امکان پرداخت مالیات در دوره زمانی مقرر در ماده

- * جهانشاد آزیتا، حمزه محمد (۱۳۹۳) رابطه مسئولیت اجتماعی شرکت با اجتناب مالیاتی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
- * خدای پور احمد، ترک زاده علی، (۱۳۹۰)، مالیات و محافظه کاری در گزارش مالی و مربوط بودن اطلاعات حسابداری، پژوهش های حسابداری مالی، شماره ۳، ص ۱۲۷-۱۴۵.
- * زحمت کش ابودر، (۱۳۸۸)، حسابداری مالیاتی، تهران، انتشارات جاجرمی .
- * طلوعی سلام، (۱۳۸۲)، سودمندی استفاده از روش مالیات معوق، مطالعات مدیریت بهبود و تحول، شماره ۳۹ و ۴۰، ص ۲۳۱-۲۴۴.
- * پورزمانی زهرا، جامخانه شمس، (۱۳۸۸)، بررسی دلایل اختلاف بین درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکتهای بازرگانی و درآمد مشمول مالیات تشخیصی توسط واحدهای مالیاتی، فصل نامه تخصصی مالیات، شماره ۵، ش پیاپی ۵۵، ص ۹-۲۶.
- * عرب مازار و همکاران، (۱۳۹۰)، تبیین رابطه بین شفافیت گزارشگری مالی و گزارشگری مالیاتی در ایران، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۹، ص ۲۲-۳۷.
- * خامسی فخرالدین، کیانپور عباسعلی، (۱۳۸۷)، مغایرتهای بین استانداردهای حسابداری ایران و قانون مالیاتهای مستقیم با هدف نزدیک کردن این دو
- * مدرکیان، حسن، (۱۳۹۰)، مدیریت مالی (۲)، چاپ اول، انتشارات مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران .

- * AICPA Profession al standard vol .3. 2004 Chang .Y.Y,Faff,R,Hwang C-Y(2010), Liquidity and Stock Returns in japan:New evidence "Pacific-Basin Finance journal 18 p 90-11
- * Desai.M.A. and D.Dharmapala (2009),.Corporate tax avoidance and high -Powered incentives. Journal of Financial Economics79:145-179
- * Edwards ,A.Schwab,c.and T.Shevlin(2013), .Financial Constraints and The Incentives for Tax Planning ,2013American Taxation Association Midyear Meeting
- * Minnick, K., and Noga, T. (2010),. Do corporate governance characteristics influence tax management, Journal of Corporate Finance, Vol. 16, pp. 703-718.

یادداشت‌ها

- ¹-Likelihood Ratio
- ²- Hosmer-Lemeshow Statistic
- ³- Goodness of Fit

احتمال پرداخت به موقع مالیات می شود و همچنین دیگر عامل، مانده وجه نقد پایان دوره شرکتهای فعال در بازار سرمایه ایران بر پرداخت بموقع مالیات شرکتهای اثر داشته و افزایش آن منجر به افزایش میزان احتمال پرداخت به موقع مالیات می شود، پیشنهاد می گردد که وزارت امور اقتصاد و دارایی با توجه به وضعیت هر صنعت و شرکتهای فعال در آن بخش، بادر نظرقرفتن نوع عملیات و نوع محصولات تولیدی آنها و میانگین دوره چرخه تبدیل نقدی شرکتهای فعال در هر صنعت و همچنین شرایط اقتصادی حاکم بر این صنایع و شرکتهای فعال در آنها (که یکی از عوامل تاثیرگذار بر دو عامل مذکور می باشد) از زمانهای متفاوت برای صنایع مختلف (که این دوره زمانی ها می تواند با بررسی دقیق دو عامل مذکور در صنایع مختلف و باهماهنگی اصناف و فعالان اقتصادی و جامعه حسابداران رسمی و سایر نهادهای تخصیص برای هر صنعت مشخص و پیشنهاد گردد) استفاده نماید و از مکلف نمودن کلیه شرکتهای جهت پرداخت مالیات عملکردشان در یک تاریخ مشخص و مشابه خودداری نماید. این امر موجب خواهد گردید که شرکتهای ضمن دستیابی به نقدینگی لازم (با توجه به دوره چرخه تبدیل نقدی و موجودی نقدی پایان دوره خود) بااطمینان خاطر و رضایت کافی، نسبت به پرداخت مالیات خود اقدام نموده و وزارت امور اقتصاد و دارایی نیز بدون انجام هرگونه هزینه های ناشی از رسیدگیها و اجرائیات و اتلاف زمان وصول مطالبات مالیاتی، نسبت به دریافت مالیات اقدام نماید. با توجه به اینکه در شرایط مختلف اقتصادی کشور، فعالیتهای عملیاتی شرکتهای می تواند متاثر از این شرایط تغییر یافته و در نتیجه، جریان ورود و خروج وجه نقد شرکتهای نیز دستخوش تغییر گردد، پیشنهاد می شود، در مطالعه ای، تاثیر متغیرهای عنوان شده در این تحقیق، در شرایط تحریم و شرایط عادی بر شرکتهای بورسی، مورد بررسی قرار گرفته و تاثیر آنها را بر امکان پرداخت بموقع مالیات توسط شرکتهای در موعد مقرر در قانون مالیاتهای مستقیم مورد مطالعه و مقایسه قرار داد تا وضعیت پرداخت مالیات شرکتهای در دوران تحریم و قبل از آن با توجه به تاثیر این عوامل بر چرخه عملیات شرکتهای در صنایع مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

فهرست منابع

- * باباجانی جعفر، عبدی مجید، (۱۳۸۹)، رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکتهای، پژوهشهای حسابداری مالی، سال دوم، شماره ۹، ص ۶۵-۸۶.